

عوامل حسرت در قیامت از دیدگاه قرآن کریم

اعراض از یاد خدا

اشاره

قرآن کریم کتاب هدایت و رستگاری، معجزه جاوید نبوی، برهان روشن الهی و نورافکن مسیر زندگانی^۱ است. خداوند متعال در قرآن کریم، همه راه‌های نجات و راه‌های سقوط را بیان کرده است. یکی از مباحثی که در آیات زیادی از قرآن بدان اشاره شده، معاد است. قرآن کریم برای قیامت، حدود هفتاد نام برشمرده است که هر کدام به گوشه‌ای از وقایع قیامت اشاره می‌کند.^۲ یکی از اسم‌های قیامت «یوم الحسرة» است. قرآن کریم به پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دستور می‌دهد مردم را از «یوم الحسرة» بیم دهد.^۳ در روایات فراوانی از اهل بیت علیهم السلام نیز از آن روز و حسرت بزرگ آن سخن به میان آمده است؛ به عنوان نمونه امام سجاد علیه السلام در صحیفه سجادیه می‌فرماید: «وَنَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَسْرَةِ الْعُظْمَى، وَ الْمُصِيبَةِ الْكُبْرَى»:^۴ «پناه می‌بریم به تو، از حسرت و مصیبت بزرگ».

عوامل حسرت در قیامت زیاد است و از آنجا که توضیح همه عوامل حسرت از

۱. نساء: ۱۷۴.

۲. رک: ناصر مکارم شیرازی؛ معاد در قرآن؛ ج ۵، ص ۳-۵ و ص ۱۲۲-۱۲۳

۳. مریم: ۳۹.

۴. امام سجاد علیه السلام صحیفه سجادیه؛ دعای ۸، ص ۵۸.

حوصله این مجموعه بیرون است، در این جلسه و جلسه‌های بعد به توضیح پنج عامل از مهم‌ترین عوامل حسرت که در قرآن کریم به آن اشاره شده، بسنده می‌کنیم. این عوامل عبارتند از: رویگردانی از یاد خدا؛ ترک عمل صالح؛ دوستی با گمراهان؛ ظلم؛ غفلت.

در این جلسه پس از مفهوم‌شناسی، به توضیح اولین عامل، یعنی رویگردانی از یاد خدا می‌پردازیم.

حسرت چیست؟

غالب لغت‌شناسان معتقدند حسرت، اندوه شدید بر چیزی است که فوت شده است.^۱ برخی از اهل لغت تصریح کرده‌اند که حسرت، غمی است که به خاطر از دست رفتن فایده‌ای تجدید می‌شود. بنابراین، هر غمی حسرت نیست.^۲ برخی نیز حسرت را پشیمانی شدیدی می‌دانند که شخص پشیمان را به جانور ضعیفی تبدیل می‌کند که هیچ خاصیت و نفعی در او نیست.^۳ در مجموع حسرت، یعنی اندوه خوردن و پشیمان شدن بر چیزی که فوت شده و از دست رفته است و شخص می‌خواهد آن را دوباره تدارک نماید،^۴ ولی نمی‌تواند.

واژه حسرت با مشتقاتش، در ۱۲ آیه از قرآن آمده و در آیاتی نیز به معنای کنایی آن با الفاظی چون «یا ویلتا» و ... اشاره شده است. حسرت خوردن، به آخرت اختصاص نداشته؛ بلکه برخی اعمال و حالت‌های انسان در دنیا نیز سبب حسرت او می‌شوند. از آنجا که موضوع سخن در عوامل حسرت در آخرت است، به توضیح این عوامل می‌پردازیم.

دلیل نامگذاری قیامت به روز حسرت

روز قیامت را بدان علت روز حسرت می‌نامند که در آن روز همه مردم، چه نیکوکار

۱. خلیل بن احمد فراهیدی؛ کتاب العین؛ ج ۳، ص ۱۳۴.

۲. ابوهلال عسکری؛ الفروق اللغویة؛ ص ۱۸۶.

۳. ابن منظور؛ لسان العرب؛ ج ۴، ص ۱۸۹.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات ألفاظ القرآن؛ ص ۲۳۵.

و چه گناهکار، از کوتاهی در حق خدا حسرت می‌خورند: نیکوکار از انجام ندادن عمل نیک بیشتر و گناهکار از عمل نکردن به دستورهای الهی.^۱ برخی مفسران در تفسیر «یَوْمَ الْحَسْرَةِ» مواردی چون آشکار شدن کوتاهی ظالمان در حق خدا، مشاهده جایگاه بهشتیان از سوی جهنمیان، شعله‌ور شدن آتش جهنم و سوختن کافران و ... را از علل حسرت دانسته‌اند. برخی نیز معتقدند مراد از حسرت، جنس آن است و شامل همه حسرت‌های یاد شده می‌شود.^۲ هر چند حسرت روز قیامت عمومی است، ولی درجات آن بسیار متفاوت است و حسرت سودی به حال افراد نخواهد داشت.^۳

برخی دیگر از دانشوران معتقدند دلیل نام‌گذاری روز قیامت به روز حسرت، این است که در آن روز حکم صادر می‌شود و جهنمی و بهستی بودن انسان‌ها مشخص می‌گردد. در چنین وضعیتی از دست دادن سعادت ابدی، مایه حسرت گناه‌کاران خواهد بود؛^۴ چنانکه خداوند می‌فرماید: «وَ أَنْزَلْنَاهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَ هُمْ فِي غَفْلَةٍ وَ هُمْ لَا يُؤْمِنُونَ».^۵

اینک که با مفهوم حسرت و دلیل نام‌گذاری روز قیامت به «روز حسرت» آشنا شدیم، در این جلسه یکی از مهم‌ترین عوامل حسرت، یعنی «اعراض از یاد خدا» اشاره و انشاءالله در جلسات بعدی به دیگر عوامل مهم اشاره می‌کنیم.

اعراض از یاد خدا

یکی از مهم‌ترین عوامل حسرت در روز قیامت، رویگردانی از یاد خدا یا «اعراض

۱. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان؛ ج ۶، ص ۷۹۵؛ ملامحسن فیض کاشانی؛ التفسیر الصافی؛ ج ۳، ص ۲۸۱.

۲. سید محمود آلوسی؛ روح المعانی؛ ج ۸، ص ۴۱۱ - ۴۱۲.

۳. سید بن قطب؛ فی ظلال القرآن؛ ج ۴، ص ۲۳۰۹.

۴. سیدمحمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۴، ص ۵۱؛ ملا فتح‌الله کاشانی؛ منهج الصادقین؛ ج ۵، ص ۴۰۸.

۵. مریم؛ ۳۹.

عن ذکر الله است. «ذکر» همان «تذکر» در برابر «غفلت» و فراموشی است که اعم از تذکر به قلب و زبان است.^۱ قرآن کریم همان گونه که از ذکر زبانی سخن گفته،^۲ در چند آیه درباره ذکر قلبی نیز سخن گفته است. به عنوان نمونه می فرماید:

«وَمَنْ يَعْشُ عَنْ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نُقِضْ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ وَإِنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُهْتَدُونَ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَا لَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ»^۳ «و هر کس خود را به کوری زند و از یاد خدا روی برتابد، شیطانی را بر او می گماریم که همواره هم نشین او خواهد بود. شیطان ها آنان را از راه خدا باز می دارند و آنان خود را هدایت یافته می پندارند، آن گاه که با فرا رسیدن قیامت، هر یک از گناهکاران همراه شیطانِ دمسازش نزد خدا می آید (و می فهمد که چه آسان فریب شیطان را خورده است، دچار حسرت شده)، به هم نشین خود گوید: ای کاش میان من و تو فاصله ای به دوری مشرق و مغرب بود، که تو هم نشین بدی هستی»^۴.

ولی این حسرت و افسوس برایش فایده ای ندارد.

بنابراین یکی از مهم ترین وظایف همه مؤمنان، یاد خداست؛ چنانکه قرآن کریم می فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا»^۵ «ای کسانی که ایمان آورده اید! خدا را بسیار یاد کنید». هم چنین کسانی را که به سوی خدا بازگشته اند، ایمان آوردندگانی معرفی می کند که دل هایشان به ذکر خدا مطمئن و آرام است.^۶ سپس در ادامه به عنوان یک قاعده کلی و اصل فراگیر می فرماید: «أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»^۷ «آگاه باشید با یاد خدا دل ها آرامش می گیرد».

۱. حسن مصطفوی؛ التَّحْقِيقُ فِي كَلِمَاتِ الْقُرْآنِ الْكَرِيمِ؛ ج ۳، ص ۳۱۹.

۲. اعراف: ۲۰۵.

۳. زخرف: ۳۶-۳۸.

۴. سید محمد رضا صفوی؛ ترجمه قرآن بر اساس المیزان؛ ذیل آیات ۳۶-۳۸ سوره زخرف.

۵. احزاب: ۴۱.

۶. رعد: ۲۸: «الَّذِينَ آمَنُوا وَ تَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ».

۷. رعد: ۲۸.

مجالس رحمانی و مجالس شیطانی

جلساتی که در آن از خداوند یاد شود، مجالس رحمانی است و مجالسی که ذکر خدا و اهل بیت علیهم السلام در آن نباشد، مایه حسرت در روز قیامت خواهد بود؛ چنانکه امام صادق علیه السلام فرمود: «ما اجتمع قوم في مجلس لم يذكروا الله ولم يذكرونا إلا كان ذلك المجلس حسرة عليهم يوم القيامة وما من مجلس يجتمع فيه أبرار وفجار ثم تفرقوا على غير ذكر الله إلا كان ذلك حسرة عليهم يوم القيامة»^۱ «اگر گروهی در مجلسی جمع شوند و از یاد خدا و یاد ما غافل گردند، در روز قیامت آن مجلس، حسرت برای آنان خواهد بود و هیچ مجلسی نیست که خوبان و بدان در آن جمع شوند و یاد خدا در آن نشود و به پایان برسد، مگر آنکه برای آنان در قیامت، مایه حسرت خواهد بود». در روایت دیگری از امام صادق علیه السلام آمده است: «اگر گروهی در مجلسی اجتماع کنند و بر پیامبرشان صلوات نفرستند، در روز قیامت، حسرت چنین مجلسی را خواهند خورد»^۲. امام باقر علیه السلام نیز فرموده است: «إن ذكرنا من ذكر الله وذكر عدونا من ذكر الشيطان»^۳ «یاد ما، یاد خداست و یاد دشمن ما، یاد شیطان است».

متأسفانه بسیاری از مجالسی که امروزه به وسیله برخی از افراد و حتی خانواده‌های مذهبی برگزار می‌شود، مصداق مجالس گناه و مجالس حسرت است؛ مانند برخی مجالس عروسی، مجالس ختنه‌سوری، مجالس جشن تولد، جلسات مربوط به جشن فارغ‌التحصیلی و اسلام با مجالس شادی مخالف نیست؛ بلکه با مجالس گناه مخالف است. ممکن است مجلسی، مجلس شادی باشد؛ ولی در آن گناهی صورت نپذیرد که اسلام نیز با چنین مجالسی موافق است و ممکن است مجلسی حتی برای عزاداری باشد، اما شرکت‌کنندگان در آن مجلس به گناه مشغول شوند. نگاهی به برخی مجالس عزاداری که هم اکنون در جامعه معمول است، شاهدی بر این مدعاست. در این مجالس به جای پندگیری و یادآوری مرگ و روز قیامت،

۱. محمدباقر مجلسی؛ بحارالأنوار؛ ج ۷۲، ص ۴۶۸.

۲. همان؛ ج ۹۰، ص ۱۶۱.

۳. همان؛ ج ۷۲، ص ۴۶۸.

شرکت کنندگان در کنار یکدیگر نشسته و به غیبت و گناه تهمت دیگران مشغولند. چنین مجالسی به یقین، از مجالس حسرت‌زا در قیامت خواهد بود.

پیامدهای اعراض از یاد خدا

یاد خدا آثار فراوانی دارد که از جمله آنها می‌توان به آرامش،^۱ الگوپذیری از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله،^۲ رستگاری^۳ و آمرزش الهی^۴ اشاره کرد. در مقابل رویگردانی از یاد خدا، باعث پیامدهای دنیوی و اخروی فراوانی می‌شود که در ادامه به چند پیامد مهم آن اشاره می‌کنیم.

۱. نابودی نعمت‌ها

یکی از پیامدهای رویگردانی از یاد خدا در دنیا، از بین رفتن نعمت‌هایی است که خداوند به ما ارزانی کرده است. قرآن کریم در این باره باغدار متکبری را مثال می‌زند که وقتی نعمت‌های الهی به او ارزانی شد، به جای شکرگزاری و یادآوری نعمت‌های الهی، ناسپاسی کرد و همه دارایی‌اش نابود شد. خلاصه داستان که در سوره کهف آیه ۳۲ به بعد آمده چنین است:

دو مرد در یک آبادی زندگی می‌کردند؛ یکی کافر و دیگری با ایمان. خداوند به مرد کافر مال فراوان داده بود. او دو باغ داشت که پر از درختان خرما، انگور و میوه‌های دیگر بود و در بین آن دو باغ نهری جریان داشت. با وجود این همه نعمت، او همانند غالب مرفهان بی‌درد، ناسپاسی می‌کرد. مرد مؤمن فقیر و تنگدست بود و با وجود فقری که داشت، همیشه شکرگزار بود و خدا را عبادت می‌کرد و به زندگی بعد از مرگ ایمان داشت. مرد کافر همیشه مرد مؤمن را مسخره می‌کرد و می‌گفت: من از تو بهترم، مال و ثروتم فراوان‌تر و فرزندان و طایفه‌ام بیشتر است. روزی در حالی که وارد باغش می‌شد، گفت: این باغ‌ها

۱. ر.ک: رعد: ۲۸.

۲. ر.ک: احزاب: ۲۱.

۳. اعلی: ۱۴ و ۱۵.

۴. احزاب: ۳۵.

همیشه مال من هستند و اصلاً نابود نمی‌شوند، قیامتی نیست و اگر باشد، آنجا وضعم بهتر از این خواهد شد. آن مرد خداپرست گفت: آیا خداوندی را که تو را از خاک، سپس از قطره‌ای منی آفرید و به مردی قوی هیكل تبدیل کرد، قبول نداری؟ به چنین خدایی کافر شدی؟ اما من می‌گویم: او پروردگارم است و احدی دیگر را با وی شریک قرار نمی‌دهم. وقتی وارد باغ شدی، چرا نگفتی «مَاشَاءَ اللَّهِ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (هر چه خدا بخواهد، می‌شود و هیچ کس قوت انجام کاری را جز به توفیق الله ندارد). به وضع کنونی‌ام نگاه نکن که فقیر و درمانده‌ام، چه بسا خداوند به من بهتر از باغ‌های تو عطا کند و بر باغ تو عذابی آتشین بفرستد تا آن را مثل کف دست صاف کند یا اینکه آبش را خشک بگرداند و نتوانی دوباره آبش بدهی. یک روز وقتی مرد کافر به باغش رفت، تعجب کرد. باغش ویران شده و چیزی جز حسرت برایش باقی نمانده بود. وی با اندوه فراوان دو دستش را به هم می‌مالید و می‌گفت: کاش کسی را با خدا شریک قرار نمی‌دادم، اما مددکاری نداشت. مالش به دادش نرسید و قبیله و خانواده‌اش نتوانستند از او دفاع کنند.^۱

خداوند متعال پس از بیان این داستان می‌فرماید: «هُنَالِكَ الْوَلَايَةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَ خَيْرٌ عُقْبًا»^۲ «آنجا (ثابت شد که) ولایت و قدرت، تنها از آن خدای حق است و (نزد) اوست بهترین پاداش و نیکوترین فرجام».

این داستان، نتایج و درس‌های فراوانی به دنبال دارد که یکی از نتایج آن، ارتباط بین نابودی نعمت‌ها با غفلت از یاد خداست؛ زیرا کشاورز متکبر که به خاطر اموال و فرزندان به خودش می‌بالید، هرگز تصور نمی‌کرد ثروتش نابود شود، ولی رفیق مهربان او سخنان پوچ او را تجزیه و تحلیل کرد و به او فهماند که سخنانش دو اشکال بزرگ دارد؛ یکی اینکه خودش را با داشتن قدرت و قوت، از قدرت و نیروی خدا بی‌نیاز دانسته و در عمل از یاد خدا رویگردان شده است. اشکال دیگرش، این

۱. کهف: ۳۲ - ۴۳.

۲. کهف: ۴۴.

است که نیازمندان را خوار شمرده است.^۱ بدون شک، این گونه خدافراموشی و رویگردانی از یاد خدا و نتایج آن، به باغدار یاد شده اختصاص ندارد. هر که از یاد خدا رویگردان شود، نعمت‌هایی را که خداوند به او داده، در معرض نابودی قرار داده است.

۲. تسلط شیطان بر انسان

یکی دیگر از پیامدهای رویگردانی از یاد خدا و در نتیجه حسرت قیامت، چیره شدن شیطان بر آدمی است؛ چنانکه خداوند درباره منافقان می‌فرماید: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ أُولَئِكَ حِزْبُ الشَّيْطَانِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ»^۲. «شیطان بر آنان مسلط شده و یاد خدا را از خاطر آنها برده، آنان حزب شیطانند. بدانید حزب شیطان زیانکارانند».

این آیه به روشنی بر این مطلب دلالت دارد که اگر شیطان بر کسی چیره شود، خدا را از یاد او می‌برد. این مطلب از جمله: «اسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ» استفاده می‌شود. بنابراین همه ما باید مواظب وسوسه‌های شیطان باشیم. هم‌چنین غفلت از یاد خدا و بیگانگی با آن در زندگی، از عوامل خسران انسان‌هاست. این مطلب از جملات: «فَأَنْسَاهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ... إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ» فهمیده می‌شود.

۳. عذاب شدید و نابینایی در آخرت.

از نظر قرآن کریم، نتیجه رویگردانی از خداوند، ورود به جهنم است: «وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِلْكَافِرِينَ عَرْضًا * الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَنِ ذِكْرِي وَ كَانُوا لَا يَسْطَئِعُونَ سَمْعًا»^۳: «در آن روز، جهنم را بر کافران عرضه می‌داریم؛ همان‌ها که پرده‌ای چشمانشان را از یاد من پوشانده بود و قدرت شنوایی نداشتند».

۱. سیدمحمد حسین طباطبایی؛ المیزان فی تفسیر القرآن؛ ج ۱۳، ص ۳۱۰.

۲. مجادله: ۱۹.

۳. کهف: ۱۰۰ و ۱۰۱.

هم‌چنین اعراض از ذکر خدا، عامل ندامت و حسرت در قیامت است؛ چنانکه خداوند می‌فرماید: «قُلْ مَنْ يَكْفُرْ بِالنَّاسِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُعْرِضُونَ»^۱ «بگو: چه کسی شما را در شب و روز از (مجازات) خداوند بخشنده نگاه می‌دارد؟! ولی آنان از یاد پروردگارشان روی‌گردانند».

خداوند مهربان، مأموران مختلفی را برای حفظ و نگاهبانی ما قرار داده و اگر عنایت پروردگار متعال نبود، سیل بلاها و مشکلات به سوی مردم سرازیر می‌شد.^۲ خداوند متعال در آیات بعد به استدلال‌های دیگری اشاره کرده و از غرور و بی‌خردی افراد بی‌ایمان پرده بر می‌دارد و به این نکته اشاره می‌کند که این بی‌خبران مغرور که در حالت نعمت و آرامش، هرگز خدا را بنده نیستند؛ اگر گوشه کوچک و ناچیزی از عذاب پروردگار دامنشان را بگیرد، حسرت سراسر وجودشان را فرا می‌گیرد و فریاد می‌زنند: ای وای بر ما! ما همگی ظالم و ستمگر بودیم: «وَلَيْنَ مَسَّتْهُمْ نَفْحَةٌ مِنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ»^۳.

علاوه بر آیه یاد شده، آیه ۱۲۴ و ۱۲۷ سوره طه، آیه ۱۷ سوره جن نیز بر مطلب یاد شده، دلالت دارد.

۴. قساوت قلب

یکی دیگر از پیامدهای تأسف‌بار و حسرت‌افزای رویگردانی از یاد خدا، قساوت قلب و سنگدلی است. خداوند می‌فرماید:

«أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَى نُورٍ مِنْ رَبِّهِ فَوَيْلٌ لِلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ مِنْ ذِكْرِ اللَّهِ أُولَئِكَ فِي ضَلَالٍ مُبِينٍ»^۴ «آیا کسی که خدا سینه‌اش را برای اسلام گشاده است و بر فراز مرکبی از نور الهی قرار گرفته (هم‌چون کوردلان گمراه است؟! وای بر آنان که قلب‌هایی سخت در برابر ذکر خدا دارند، آنها در گمراهی آشکاری هستند».

۱. انبیاء: ۴۲.

۲. ناصر مکارم شیرازی و دیگران؛ تفسیر نمونه؛ ج ۱۳، ص ۴۱۴.

۳. انبیاء: ۴۶.

۴. زمر: ۲۲.

در روایتی که امام کاظم علیه السلام از امام صادق علیه السلام نقل کرده است، می خوانیم: «أَوْحَى اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَى مُوسَى عليه السلام يَا مُوسَى لَا تَفْرَحْ بِكَثْرَةِ الْمَالِ وَلَا تَدْعُ ذِكْرِي عَلَى كُلِّ حَالٍ فَإِنَّ كَثْرَةَ الْمَالِ تُنْسِي الذُّنُوبَ وَإِنَّ تَرَكَ ذِكْرِي يُقْسِي الْقُلُوبَ»^۱ «خداوند متعال به موسی علیه السلام وحی فرستاد که ای موسی! از فزونی اموال خوشحال مباش و یاد مرا در هیچ حال ترک مکن؛ چرا که فزونی مال می تواند موجب فراموش کردن گناهان شود و ترک یاد من قلب را سخت می کند». بنا بر این روایت، بین اعراض از یاد خدا و سنگدلی، ارتباط مستقیمی وجود دارد.

قساوت قلب، گاه آدمی را به جایی می رساند که حاضر می شود بهترین آفریده الهی و امام زمان خودش را بکشد.

۱. شیخ صدوق؛ الخصال؛ ج ۱، ص ۳۹.